۲.ملازمه اراده با علم

من است؛ فع ما در دلالت،سه پله داریم ۱: دلالت اگر خواستیم تصوری یا این تداعی اراده معانی را اثبات که در این کنیم[1] مرحله قطعاً علم منفکّ خداوند از علم ملازمه است گفتن، با اراده فعل دارد اصلا

شما یک مطلبی را اضافه کردید:فهم طرف.کلام من اینجا نبود. عرض من این بود که کلام **می تواند** از آن اراده شود.این کلام،ریختش طوری است که یک حکیم می تواند از آن معنای حقّی را اراده کند.

اراده تفهیم که شما می فرمایید، برای مرحله بعدی است که من می توانم بفهمانم.یعنی در دلالت تصدیقی که متکلم از یک کلام چیزی را می گوید.حالا اگر از آن دلالت های تصدیقی شد که محضاً دنبال دلالت تصوری هستیم...

مثال: شما به جای این که زبان را تکان دهید سنگی را تکان می دهید، از دل آن می آید: اشرب یا شرب زید، دلالت تصوّری است؛اما شما می دانید که «شرب زید» و کسی هم که می فهمد در ذهنش می آید «شرب زید» و حق است.این اراده را نگاه کنید.شما سنگی را تکان دادید و کلامی هم نگفتید، می دانید طرف این مطلب را شنید و کلام حقی هم شنید؛ شما اغرا به جهلش نکردید.شما چه اراده ای اینجا دارید؟می شنود و درست هم می شنود؛ مطلب حقی است.

---

[1] اشکال یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

بازبینی #1
ایجاد شده 24 آوریل 2025 16:57:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 آوریل 2025 16:57:17 توسط ... .